



CUDRAS

Center for Universal Drug Researches
Approaches & Studies



شماره ۱ | دی ماه ۹۸

گزارش راهبردی

آمریکا و افزایش کشت خشخاش در افغانستان



CUDRAS

Center for Universal Drug Researches
Approaches & Studies

آمریکا و افزایش کشت خشخاش در افغانستان

گزارش راهبردی شماره ۱



CUDRAS

Center for Universal Drug Researches
Approaches & Studies

هماندیشی جهانی راه برتر (کادراس)

فرزانه سهرابی

۲۵ دی ۱۳۹۸

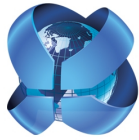


مقدمه

موسسه پژوهشی کادراس در راستای دستیابی به اهداف علمی خود با تعریف یک مدخل جدید درصدد است مجموعه‌ای از موضوعات راهبردی و مهم را برای مبارزه با مواد مخدر / محرک و روانگردان در ایران، منطقه جنوب غربی آسیا و نیز جهان تدوین کند. با توجه به اهمیت وافر برخی از موضوعات در دانش اعتیاد و مبارزه با آن، مجموعه پیش رو با عنوان «گزارش راهبردی» به انتشار خواهد رسید و در آن به موضوعاتی همچون «نارکوتروریسم»، «روندهای کشت و تولید و فروش مواد در جهان»، «تحولات بازارهای مصرف»، «وضعیت دولت‌های شکننده در مبارزه با مواد»، «جنگ با مواد و مقابله با عرضه»، «ظرفیت‌های ادیان در پیشگیری از اعتیاد و مقابله با آن»، «بررسی انتقادی تجربیات کشورهای پیشرو»، «ظرفیت‌های سیاست جنایی مشارکتی برای پیشگیری از اعتیاد»، «سیاست مخدری جمهوری اسلامی ایران» خواهد پرداخت. نخستین شماره گزارش راهبردی موسسه کادراس به «نقش آمریکا در افزایش کشت خشخاش در افغانستان از سال ۲۰۰۱» می‌پردازد.

علت قرار گرفتن این موضوع در قالب گزارش‌های راهبردی آن است که در گزارش‌های راهبردی بدون درگیر شدن در مباحث تئوریک و نظری انتزاعی و دشوار، موضوعات مهم و دارای اولویت راهبردی در حجمی کوتاه به بحث گذاشته می‌شوند با بررسی «وضع موجود» و کاستی‌های آن به ترسیم افق‌های «وضع مطلوب» خواهیم پرداخت و نهایتاً توصیه‌هایی برای حرکت به سوی این وضع در هر گزارش ارائه خواهیم کرد.

از این رو از همه پژوهشگران، استادان، علاقه‌مندان و در این زمینه‌ها می‌خواهیم گزارش‌های یاد شده را مورد بررسی و مطالعه قرار داده و نظرات، پیشنهادهای و انتقادات خود را نیز به آدرس ایمیل info@cudras.ir ارسال نمایند.



بیان رخداد

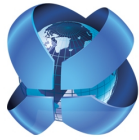
چندین دهه جنگ و ناامنی، حضور گروه‌های فراملی و فروملی، فقر، بالا رفتن کشت، تولید، قاچاق و مصرف مواد مخدر از ویژگی‌های افغانستان امروز است. کشوری که با وجود تمامی مشکلات داخلی و تهدیدات خارجی همچنان موجودیت خود را حفظ کرده است. در این میان شاید ارائه گزارشی از وضعیت گذشته و موجود افغانستان در میزان کشت خشخاش و متعاقب آن نقش نیروهای ائتلاف از سال ۲۰۰۱ به بعد، بتواند دریچه‌ای جدید پیش‌روی خوانندگان محترم باز کند.

بنابر گزارش‌های «دفتر مقابله با جرم و مواد سازمان ملل متحد»، نخستین نشانه‌ها از کشت خشخاش در افغانستان به قرن هجدهم میلادی باز می‌گردد، اما مستندات قابل اتکا در این زمینه بسیار اندک است و تنها پس از شکل‌گیری اولین «نظام بین‌المللی کنترل مواد مخدر» در چارچوب جامعه ملل شاهد نخستین گزارش‌های رسمی دولت افغانستان در این باره هستیم. در سال ۱۹۲۴ دولت وقت افغانستان در گزارشی به جامعه ملل از سطح نازل کشت خشخاش در این کشور خبر داد و تا سال ۱۹۴۵ افغانستان با افزایش میزان کشت به طور غیرقانونی روبرو بوده است. (۱)

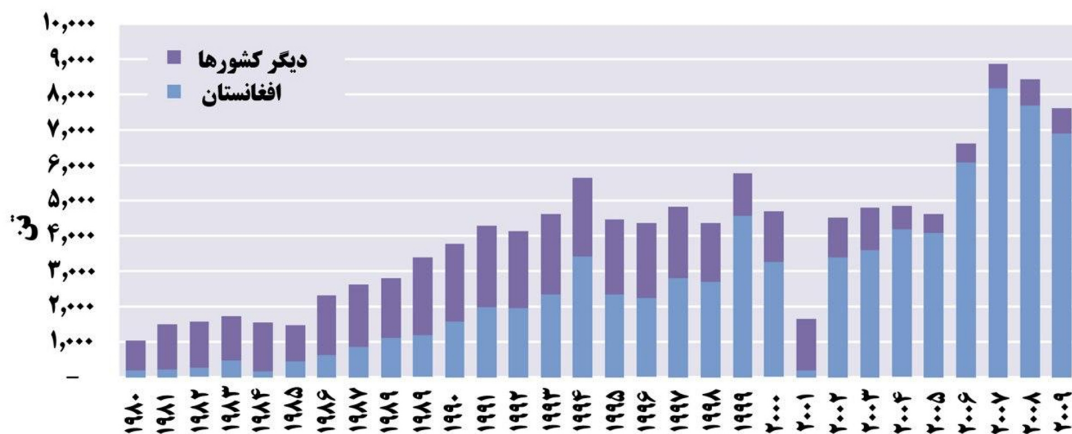
وضعیت جغرافیایی افغانستان به دلیل عدم دستیابی به آب‌های آزاد و محصور بودن در خشکی از ویژگی‌های مهم این کشور به شمار می‌رود. همواره از سال‌های آغازین استقلال این کشور از بریتانیا، کابل سعی در دستیابی به توافق با دولت‌های همسایه خود برای رفع محدودیت‌های ژئوپلیتیکی بوده است. در این میان «توافق تجارت ترانزیتی پاکستان و افغانستان» (۲) که در آن مالیات بر صادرات چندین محصول از جمله خشخاش لغو شد به عنوان توافقی یاد می‌شود که طی چندین دهه بعد از آن افغانستان تبدیل به بزرگترین تولیدکننده خشخاش در دنیا شد. (۳) همچنین با تصویب «قانون منع کشت خشخاش و استعمال تریاک» (۴) در ایران توسط مجلس شورای ملی در سال ۱۹۵۵ (مصادف با اول آبان ماه ۱۳۳۴) تقاضا برای تریاک افغانستان و پاکستان در منطقه، روندی فزاینده یافت، به ویژه بازار قاچاق تریاک افغانستان به ایران نیز به دلیل از بین رفتن عمده مزارع داخلی به شدت رونق یافته و ایران به بازار ویژه تریاک افغانستان مبدل شد. (۵) از سویی، آنچه باعث رشد هرچه بیشتر کشت و صادرات خشخاش و تریاک در افغانستان شد، بروز خشکسالی از یک‌سو و بی‌ثباتی‌های سیاسی در میانمار و منطقه موسوم به «مثلث طلایی» (۶) در دهه ۱۹۷۰ از سوی دیگر است؛ تا جایی که رفته رفته افغانستان جایگاه میانمار را که در صدر تولیدکنندگان مواد جهان بود، گرفت و از اواسط دهه ۱۹۹۰ تاکنون تبدیل به بزرگترین تولیدکننده مواد مخدر دنیا شده است.

تحلیل رخداد

گزارش دفتر مقابله با جرم و مواد سازمان ملل متحد در سال ۲۰۱۰ در بررسی روند «بازار جهانی هروئین» (۷) درباره میزان افزایش تولید تریاک افغانستان طی ۲۰ سال منتهی به سال ۲۰۰۰ به ذکر این جمله بسنده می‌کند: «تولید تریاک در افغانستان از ۲۰۰ تن در سال ۱۹۸۰ به بیش از ۳۰۰۰ تن در سال ۲۰۰۰ افزایش یافته است.» بدین ترتیب از هنگام هجوم قوای اشغالگر اتحاد شوروی سابق به افغانستان (۱۹۷۹) تا هنگام خروج آنها در ماه فوریه ۱۹۸۹ میزان تولید تریاک در این کشور سالانه ۱۵ درصد افزایش می‌یابد و در نهایت به بیش از ۵ برابر میزان پیش از سال ۱۹۷۹ بالغ می‌شود. با خروج نیروهای روسیه درگیری میان نیروهای دولت ملی جدید این کشور و طالبان منجر به سال‌ها خلأ قدرت شد و سرانجام ۵ سال پس از خروج نیروهای شوروی از افغانستان، طالبان موفق به تسخیر بیشتر مناطق این کشور به‌جز شمال و شمال شرقی شد.



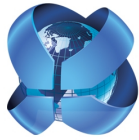
همین گزارش روند جالب توجهی از افزایش تولید تریاک در افغانستان و کاهش آن در کشورهای مثلث طلایی پس از سال ۲۰۰۰ را بدین ترتیب توصیف می‌کند: «در سال ۲۰۰۷ میزان تولید به رقم بی‌سابقه ۸.۲۰۰ تن می‌رسد و البته در سال‌های ۲۰۰۸ و ۲۰۰۹ به ترتیب به ۷.۷۰۰ و ۶.۹۰۰ تن کاهش می‌یابد. در واقع سهم افغانستان از تولید تریاک جهان از ۲۰ درصد در دهه ۱۹۸۰ به ۷۰ درصد در سال ۲۰۰۰ و سپس ۹۰ درصد در سال ۲۰۰۶ بالغ شده است، اما از سال ۲۰۰۷ تا ۲۰۱۵ میزان تولید خشخاش افغانستان به یک دوم کاهش یافت. این امر در حالی است که از سال ۲۰۱۶ دیگر بار روند افزایشی تولید تریاک از سر گرفته شد و با اختلافی ۱.۵۰۰ تنی نسبت به سال ۲۰۱۵، به ۴.۸۰۰ تن رسید. همچنین، در سال ۲۰۱۷ متوسط کشت خشخاش افغانستان با جهشی غیر قابل باور به حدود ۹ هزار تن رسید، افزایشی که رشد ۸۸ درصدی را نشان می‌داد.



نمودار (۱) میزان تولید تریاک در افغانستان از سال ۱۹۸۰ تا ۲۰۰۹

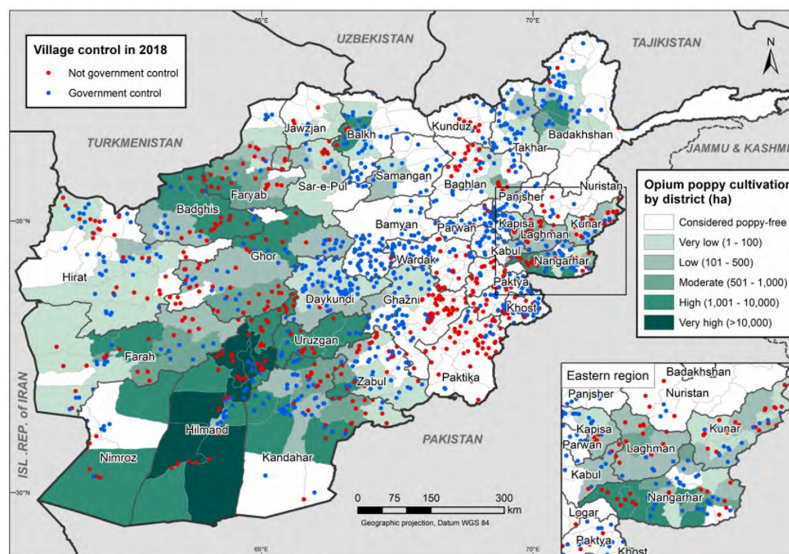
به طور عمده افزایش کشت خشخاش در سال ۲۰۱۷ در ولایت‌هایی انجام شده که مرکز کشت به حساب می‌آیند. از این میان بیشترین افزایش کشت در ولایت هلمند اتفاق افتاده که نسبت به سال گذشته ۶۳.۷۰۰ هکتار افزایش (بیش از ۷۹ درصد) را نشان می‌دهد. این ولایت به تنهایی نیمی از افزایش کشت کلی افغانستان در سال‌های ۲۰۱۶ و ۲۰۱۷ به خود اختصاص داده است. ولایت بلخ از این حیث در جایگاه دوم قرار می‌گیرد که سطح کشت در آن ۱۰ هزار هکتار زیاده‌تر شده است (۵ برابر بیشتر از سال ۲۰۱۶). ولایت‌های قندهار، نیمروز، اوزرگان نیز در رده‌های بعدی قرار گرفته‌اند. در ولایت قندهار ۷۵۰۰ هکتار افزایش (۳۷ درصد) گزارش شده و ولایت نیمروز نیز که تا سال ۲۰۱۶ در زمره ولایت‌های عاری از کشت خشخاش به شمار می‌آمد، با ۶۲۰۰ هکتار (۱۱۶ درصد افزایش) رکورد جدیدی را ثبت کرده است.

در ولایت ارزگان نیز کشت خشخاش تریاک ۳۹ درصد (۶ هزار هکتار) افزایش یافته است. بیش از ۵۷ درصد تولید در مناطق جنوبی، ۱۶ درصد در شمال، ۱۳ درصد در غرب و ۹ درصد نیز در شرق این کشور انجام پذیرفته است. (۸) گفتنی است شمار ولایاتی که عاری از مواد مخدر بوده‌اند در سال ۲۰۱۷ با اضافه شدن ولایات نیمروز، نورستان و سمنگان به رقابت کشت، از ۱۳ به ۱۰ کاهش یافته است. همچنین دفتر مقابله با مواد مخدر و جرم سازمان ملل تخمین زده که با توجه به افزایش قابل توجه کشت خشخاش، در سال ۲۰۱۷ احتمالاً بین ۷.۶۰۰ تا ۷.۹۰۰ تن هروئین نیز از تریاک خام افغانستان تولید شده است. (۹)

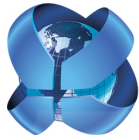


بر اساس گزارش سالیانه دفتر مقابله با جرم و مواد سازمان ملل متحد، در سال ۲۰۱۸ سطح کشت خشخاش در افغانستان ۲۸ درصد کاهش داشته است. ۲۶۳ هزار هکتار در سال ۲۰۱۸ به کشت خشخاش اختصاص یافته که نسبت به سال قبل ۲۰ درصد (۶۵ هزار هکتار) کمتر است. اگرچه همین میزان نیز بسیار زیاد است و از هنگام آغاز نظارت نظام مند بر کشت خشخاش در سال ۱۹۹۴، مجموعاً در جایگاه دوم قرار می‌گیرد. در منطقه شمالی افغانستان میزان کشت ۲۴ هزار هکتار (۵۶ درصد) کاهش یافته و در منطقه غربی این کشور نیز ۲۳.۲۰۰ هکتار (۴۳ درصد) کم شده است. همچنین در منطقه جنوبی افغانستان نیز شاهد ۸ درصد کاهش (۱۵ هزار هکتار) هستیم. البته تنزل چشمگیر مساحت کشت خشخاش در شمال و غرب افغانستان برآیند خشکسالی است. همچنین در سال ۲۰۱۸ الگوی کشت خشخاش در مناطق مختلف افغانستان به‌جز در منطقه جنوبی نسبت به سال ۲۰۱۷ متحول شده است، به طوری که پس از منطقه جنوبی با ۶۹ درصد کل کشت، منطقه غربی با ۱۲ درصد در جایگاه دوم قرار گرفته و مناطق شرقی و مناطق شمال شرقی و شمال شرقی و مرکزی این کشور نیز روی هم رفته حدود ۴ درصد از کل سطح کشت خشخاش را تشکیل می‌دهند.

ولایت هلمند همچنان در صدر جدول ولایات کشت خشخاش قرار دارد و به ترتیب ولایات قندهار، ارزگان و ننگرهار در جایگاه‌های دوم تا چهارم هستند. تعداد ولایت‌های عاری از کشت مواد مخدر در سال ۲۰۱۸ مانند سال ۲۰۱۷، ده ولایت است. ولایت نورستان امسال دیگر بار به جمع استان‌های عاری از کشت مواد مخدر بازگشت ولی ولایت تخار که از سال ۲۰۰۸ سابقه کشت خشخاش را نداشت، رکورد نه ساله خود را از دست داد. به این ترتیب مثل سال ۲۰۱۷، بیست و چهار ولایت افغانستان نیز درگیر کشت خشخاش باقی ماندند. محصول مناطق شمالی و به ویژه ولایت باغدیس به شدت تحت تأثیر خشکسالی قرار گرفته و سطح کشت در ولایت بلخ نیز کاهشی ۳۰ درصدی را تجربه کرده و از ۱۲.۱۰۰ هکتار در سال ۲۰۱۷ به ۸.۵۰۰ هکتار در سال ۲۰۱۸ کاهش یافته است. در جوزجان نیز کاهش کشت حدود ۹۰ درصد است، یعنی از ۳.۲۰۰ هکتار در سال ۲۰۱۷ به ۳۳۸ هکتار در سال ۲۰۱۸ تنزل پیدا کرده است. کاهش سطح کشت ولایت باغدیس نیز بالغ بر ۷۲ درصد است و سطح کشت این ولایت را از ۲۴.۷۰۰ هکتار در سال ۲۰۱۷ به ۶.۹۷۰ هکتار در سال ۲۰۱۸ رسانیده است.



نقشه (۱) میزان دقیق کشت خشخاش بر اساس ولایت‌ها در افغانستان



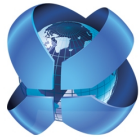
کشت خشخاش و تولید و مصرف انواع مواد مخدر در افغانستان از سال ۱۹۹۴ تا پیش از حمله نیروهای آمریکایی و ائتلاف به این کشور روی هم رفته بالغ بر ۴۷۷ هزار هکتار زیر کشت خشخاش رفته بود و ۲۱.۳۳۷ تن تریاک در طول این ۷ سال در این کشور تولید شده بود. اما با هجوم قوای آمریکایی به افغانستان میزان کشت و تولید تریاک در افغانستان در ۱۸ سال گذشته با سرعت غیرقابل تصویری زیاد شده، همزمان با افزایش سیل آسای ارقام مربوط به این حوزه سیاست های مقابله‌ای قابل توجهی نیز برای کاهش دادن این روند به اجرا درآمده است. برای مثال دولت آمریکا در دوره پس از اشغال روی هم رفته بالغ بر ۰۹/۷.۲۸۴ میلیون دلار برای مبارزه با مواد مخدر در افغانستان هزینه کرده است. (۱۰)

دوره زمانی	سطح کشت خشخاش به هکتار	تولید خالص تریاک
پیش از اشغال افغانستان (۱۹۹۴-۲۰۰۰)	۴۷۷ هزار هکتار	۲۱,۳۳۷ تن
۲۰۰۱ تا پایان ۲۰۰۷	۷۵۵ هزار هکتار	۲۸,۱۸۵ تن
۲۰۰۸ تا پایان ۲۰۱۷	۱,۸۳۳,۰۰۰ هکتار	۵۳,۸۱۵ تن
پس از اشغال به طور کلی (۲۰۰۱ تا پایان ۲۰۱۸)	۲,۸۵۱,۰۰۰ هکتار	۸۸,۴۰۰ تن

جدول ۱) مقایسه میزان کشت خشخاش و تولید تریاک در دو دوره پیش و پس از اشغال توسط نیروهای آمریکایی (۱۱)

در واقع می توان گفت میزان سطح کشت تریاک ۷ سال نخست پس از اشغال افغانستان و سقوط دولت طالبان در ۱۷ دسامبر ۲۰۰۱، نسبت به دوره ۷ سال پیش از اشغال (-۱۹۹۴ ۲۰۰۰) بیش از ۱ و نیم برابر شده است. همچنین میزان تولید خالص تریاک در افغانستان نیز از زمان ورود نیروهای بیگانه به این کشور در بازه ۷ ساله نخست ۸ هزار هکتار افزایش را نشان داده است. از سوی دیگر و در مجموع از سال ۲۰۰۱ تا پایان سال ۲۰۱۸ به طور کلی بیش از ۲.۸۵۱.۰۰۰ هکتار از خاک افغانستان به زیر کشت خشخاش رفته و بالغ بر ۸۸.۴۰۰ تن تریاک خالص نیز تولید شده است.

واقعیت این است که از زمان حضور رسمی آمریکا در ۷ اکتبر ۲۰۰۱، جنگ بی پایان در افغانستان آغاز شد. پایان این بازی به اهداف هژمونیک آمریکا در منطقه بستگی دارد. ایالات متحده آمریکا در افغانستان نه پایگاه نظامی دارد که در ولایت‌های مزار شریف، هرات، قندهار، جلال‌آباد، کابل، بگرام و گردیز واقع شده است. تولید سالانه حدود ۴۰۰۰ تن مواد مخدر در افغانستان، از ولایت‌ها عمده تحت کشت خشخاش یعنی هلمند، هرات، ارزگان، مزار شریف، فراه و ننگرهار می‌تواند این تفکر را قوت بخشد که مهمترین مراکز کشت مواد مخدر در مناطقی است که مراکز و پایگاه‌های نظامی آمریکا در آن قرار دارند. این میزان تولید مواد در افغانستان می‌تواند به چند صورت مورد استفاده قرار گیرد. بر اساس اعلام مقامات رسمی افغانستان سالانه میزان بسیار ناچیزی در حد چند تن از این مواد توسط مقام‌های امنیتی کشف می‌شود و میزان کمی به مصرف داخلی می‌رسد و مابقی آن قاچاق می‌شود. در واقع بخش عمده مواد تولید شده در افغانستان به کشورهای همسایه به ویژه پاکستان و ایران قاچاق می‌شود، بر اساس گزارش دفتر مقابله با جرم و مواد سازمان ملل متحد، ولایت هلمند مرکز اساسی تولید مواد مخدر است؛ به عبارتی ۶۰ درصد تمام مواد مخدر افغانستان در همین ولایت تولید می‌شود که بزرگترین پایگاه نظامی آمریکا نیز در شورابک ولایت هلمند قرار دارد. از این رو، بیشترین مزارع کشت خشخاش در ولایت‌های هلمند، قندهار و اورزگان درست جایی که نیروهای خارجی مستقرند، وجود دارند. بر اساس گفته دهقانان محلی افغانستانی، در طول ۲۴ ساعت در ولایت هلمند، هواپیما و هلیکوپترها مواد مخدر را بارگیری و به مناطق نامعلوم پرواز می‌کنند. (۱۲)

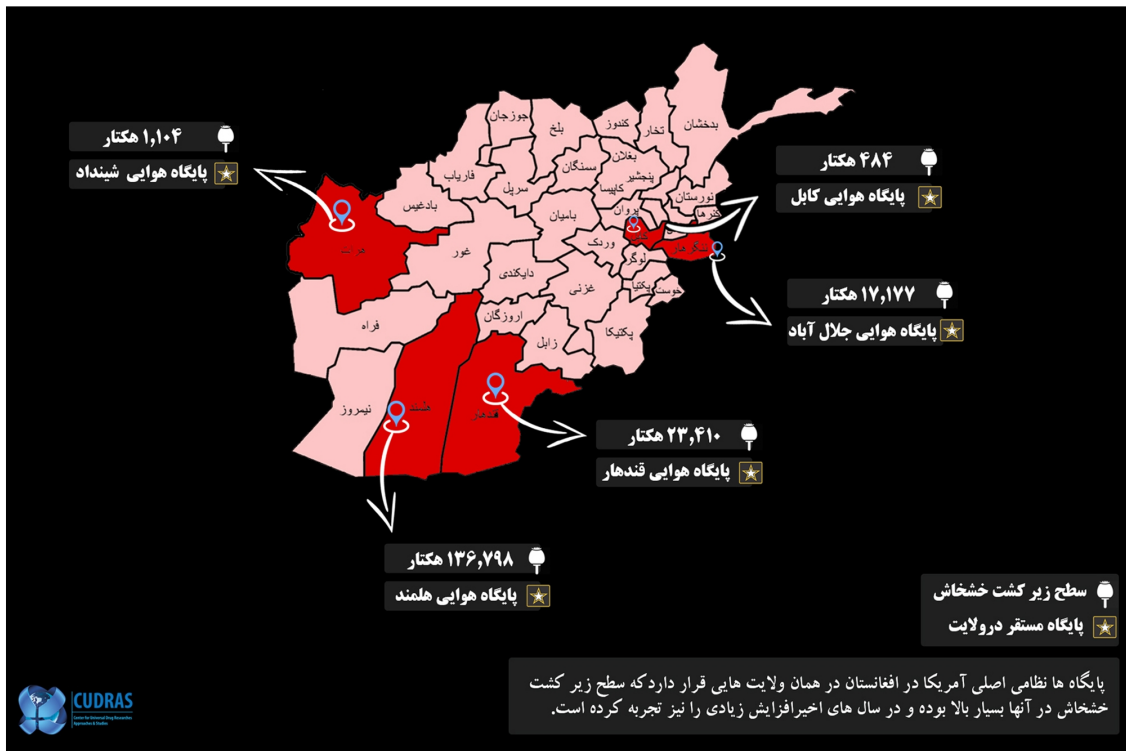
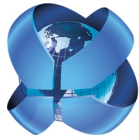


دورنمای رخداد

طراحی و اجرای برنامه‌های مقابله‌کننده علیه مواد مخدر در افغانستان به طور ویژه در پی اشغال این کشور توسط نیروهای آمریکا و نیروهای ائتلاف در سال ۲۰۰۱ آغاز شد. قدرت‌های فرامنطقه‌ای در ابتدا با اعلام چشم‌اندازی بلند پروازانه، نوید ریشه‌کنی کامل مواد مخدر در افغانستان ظرف چند سال را دادند. از جمله به بریتانیا می‌توان اشاره کرد که متعهد شده بود به عنوان کشور پیشرو در مبارزه با مواد مخدر تا سال ۲۰۱۱ (ظرف ۱۰ سال) مواد مخدر را در افغانستان ریشه‌کن سازد. با این همه ایالات متحده نیز در این راستا از سال ۲۰۰۲ سیاست‌هایی را در پیش گرفت. در سال ۲۰۰۵ واشنگتن اقدام به بازنگری در استراتژی خود نمود و پنج پایه را برای استراتژی خود تعیین کرد: اطلاع‌رسانی عمومی، ممنوع‌سازی کشت مواد مخدر، امحاء مزارع، تقویت ضمانت اجرای قوانین و اصلاحات قضایی و نهایتاً اجرای برنامه‌های توسعه جایگزین. از سال ۲۰۰۲ تا ۲۰۱۷ آمریکایی‌ها ۰۹/۷.۲۸۴ میلیون دلار را برای مبارزه با مواد مخدر در افغانستان اختصاص دادند. از این میزان ۴۶/۳.۱۳۲ میلیون دلار توسط وزارت دفاع آمریکا هزینه شده، ۷۳/۲.۲۶۷ میلیون دلار نیز از سوی نهادهای زیر مجموعه ریاست جمهوری آمریکا تخصیص یافته است.

از سوی دیگر گفتنی است، منابع مالی یاد شده در ۴ حوزه عمده هزینه شده است؛ بیش از ۶۰ درصد این رقم (۷۱/۴.۴۹۹ میلیون دلار) در طول ۱۵ سال گذشته برای ممنوع‌سازی کشت خشخاش تخصیص یافته است. پس از تلاش‌های معطوف به ممنوع‌سازی، اقدامات مربوط به توسعه جایگزین در جایگاه دوم قرار می‌گیرد که نزدیک به ۲۰ درصد کل هزینه‌ها یعنی ۵۹/۱.۴۵۶ میلیون دلار را به خود اختصاص داده است و اقدامات جدی برای امحاء مزارع خشخاش با رقمی در حدود ۱۴/۹۳۸ میلیون دلار (۱۲ درصد کل هزینه‌ها) در رده سوم قرار گرفته است. براساس گزارش فصلی اداره «بازرس ویژه برای بازسازی افغانستان» در ژوئن ۲۰۱۸، ۷۹/۱۸۳ میلیون دلار از منابع مذکور به «کسب حمایت سیاسی» برای مبارزه با مواد مخدر اختصاص یافته است. (۱۴) از ۲۰۶ میلیون دلار باقی‌مانده نیز ۱۱۰ میلیون دلار برای کاهش تقاضای مواد مخدر هزینه شده و تقریباً ۹۶ میلیون دلار نیز به اموری اختصاص یافته که در این زمینه‌ها نمی‌گنجد.

اما موضوع مهمی که در نهایت می‌بایست بدان پرداخت این است که چرا با وجود حضور مستمر آمریکا در افغانستان و طراحی و اجرای برنامه‌ها و سیاست‌های مقابله با کشت و قاچاق مواد در این کشور، نه تنها کشت خشخاش کمتر نشده بلکه دقیقاً در مناطقی که نیروهای آمریکایی و ائتلاف جهانی حضور فعال دارند، شاهد افزایش کشت هستیم؟ آیا نمی‌توان گفت بیشترین کاشت تریاک دقیقاً در ولایت‌های جنوبی مانند هلمند و قندهار صورت می‌گیرد که می‌تواند تولید و تجارت آن برای گروه‌های تروریستی و حتی قدرت‌های خارجی مانند آمریکا بسیار سودآور باشد. در واقع به نظر می‌رسد حضور نیروهای بیگانه در افغانستان نه تنها وضعیت سیاسی، امنیتی، اقتصادی و اجتماعی افغانستان را بهبود نبخشیده، بلکه موجب وخامت بیشتر اوضاع شده است. هر سیاست و برنامه‌ای برای کنترل کاشت خشخاش در افغانستان باید با مشارکت مردم و ترغیب آنها به سیاست جایگزین صورت گیرد، در واقع تا زمانی که بازار برای مصرف و قاچاق مواد وجود دارد و برای کشاورزان کاشت خشخاش صرفه اقتصادی بالایی دارد و از سوی دیگر حضور قدرت‌های جهانی که همواره به دنبال افزایش سود مالی حداکثری خود هستند، ادامه دارد، وضعیت افغانستان نیز بهتر نخواهد شد.



پی نوشت ها

1. UNODC (2003a). The opium economy in Afghanistan: An international problem (pp. 213–215). Vienna: United Nations.
2. Afghanistan- Pakistan Transit Trade.
3. Shoaib Rahim , Afghanistan- Pakistan Transit Trade, Background and Legal Perspective and Agonies of a Land-locked Country, October 2017
4. <http://rc.majlis.ir/fa/law/show/94407>.
5. Vanda Felbab-brown, Shooting Up: Counterinsurgency and the War on Drugs, 2009.
6. منطقه معروف به مثلث طلایی (Golden Triangle) شامل تایلند، جمهوری خلق لائوس و میانمار می شود که در دهه 1970 و 1980 پیشگامان تولید افیون جهان به شمار می آمدند.
7. The global heroin market, 2010.
8. Afghanistan Opium Survey 2017.
9. Ibid.
10. The Special Inspector General for Afghanistan Reconstruction (SIGAR) quarterly report, July 2018.
11. Afghanistan Opium Survey 2017.
12. <https://af.sputni->
13. منظور از کسب حمایت سیاسی عبارت از پروژه هایی نظیر «ابتکار عملکرد خوب» (184 GPI میلیون دلار)، نهادسازی (40 میلیون دلار)، دیپلماسی عمومی و راه اندازی کمیته های اطلاع رسانی (61 میلیون دلار).